فصلنامه حقوق اداری (علمی - پژوهشی)

سال ششم، شماره ۱۷، زمستان ۱۳۹۷

حمایت از حقوق زبانی در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر

سید احمد حبیب نژاد[۱]؛ زهرا دانش ناری[۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۱۲
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۰۲

چکیده

حقوق زبانی شامل حق هر شخص به استفاده از زبان مادری می‌شود. البته این اصلی‌ترین مفهوم حقوق زبانی است. گستره این حق هم شامل استفاده از زبان مادری در ادارات و هم حق بر مکاتبات و ارتباطات دیگر به زبان مادری می‌شود. در هر صورت، زبان مادری نباید موجب تبعیضات ناروا بخصوص در ارائه خدمات عمومی و بهره‌مندی‌های اجتماعی گردد. مراجع بین‌المللی نظیر دادگاه اروپایی حقوق بشر و اتحادیه اروپایی، معیارهای مناسبی را در جهت حمایت از این حقوق ارائه داده‌اند. از جمله این معیارها می‌توان به استفاده از زبان مادری به عنوان زبان آزاد در مکاتبات مانند درخواست‌های اداری، استفاده از نام مخصوص به خود با توجه به زبان مادری، استفاده از زبان مادری برای آموزش و پرورش و ... اشاره کرد.

واژگان کلیدی: حقوق زبانی، مکاتبات اداری به زبان مادری، آموزش به زبان مادری، دادگاه اروپایی حقوق بشر.

۱- استادیار گروه حقوق عمومی و بین‌الملل دانشگاه تهران، پردیس فارابی، نویسنده مسئول A.habibnezhad@ut.ac.ir
۲- دانشجوی دوره دکتری حقوق عمومی، دانشگاه تهران، پردیس فارابی، کارشناس حقوقی دیوان عدالت اداری: zdanesh@ut.ac.ir

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

درآمد

در خصوص اهمیت زبان در دنیای امروز باید گفت حتی اگر تاثیر مهاجرت‌های مدرن را نادیده بگیریم، کشورهایی که همه ساکنان بومی زبان یکسان دارند، استثنای کوچکی هستند. کشورهایی مانند فرانسه، آلمان و انگلستان، اقلیت‌های زیادی درون مرزهای خود دارند. به طور کلی، تجربه نشان می‌دهد در مواردی، تلاش اکثریت برای نابود کردن یا سرکوب جامعه زبانی اقلیت بوده و این موضوع نشان‌دهنده درگیری‌های نژادی یا مذهبی است. چندگانگی زبان به خودی خود، عامل مهمی برای اختلافات مدنی است. (Committee on social and political concerns,1996:5)

زبان بیش از یک وسیله ارتباطی است و در واقع بخشی از هویت و فرهنگ مردم است. زمانی که یک زبان نابود شود؛ فرهنگی که آن را پوشش می‌دهد نیز نابود می‌گردد. (Crow,2012: 209). در سال ۲۰۱۳، گزارشگر ویژه مسائل اقلیت، گزارش سالانه خود را با توجه به چالش‌ها و حقوق اقلیت‌های زبانی به شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد ارائه داد. در این گزارش تاکید بر محدودیت فرصت‌های موجود برای اقلیت‌های زبانی در خصوص آموزش و یادگیری است. در سراسر جهان، زبان‌های مختلف اقلیت در معرض تهدید، کاهش قابل توجه و جذب شدن به علت غلبه زبان‌های ملی و بین‌المللی قرار دارند. عمدتا مباحث مربوط به زبان در دسته‌های زیر قابل بحث است: تهدید اقلیت‌های زبانی، شناخت زبان‌های اقلیت و حقوق زبانی، استفاده از زبان‌های اقلیت در زندگی عمومی، زبان‌های اقلیت در آموزش و پرورش، زبان‌های اقلیت در رسانه‌ها، زبان‌های اقلیت در ادارات دولتی و قوه قضاییه، استفاده از زبان اقلیت در اسامی، نام‌گذاری مکان‌ها و نشانه‌های عمومی، مشارکت در زندگی اقتصادی و سیاسی و ارائه اطلاعات و خدمات در زبان‌های اقلیت.

(Language rights of linguistic minorities a practical guid for implementation, 2017:7)

بی‌شک یکی از بخش‌های مهم و بحث‌برانگیز در حوزه حقوق فرهنگی اقلیت‌ها به حقوق آنها در ارتباط با زبان برمی‌گردد. کیمیلیکا بر این عقیده است که دولت‌ها با مطالبات

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

اقلیت‌های مذهبی و قومی در جامعه می‌توانند سازگار شوند اما در مورد خواست‌های زبانی کمتر کنار می‌آیند. (حبیب نژاد، اسمعیلی زاده، ۱۳۹۵: ۲۵)

هرچند می‌توان نقش اولیه زبان را پیام‌رسانی دانست اما بی تردید زبان کارکردهای دیگری مانند زیبایی‌آفرینی، هویت‌سازی و هویت‌بخشی نیز دارد. پس شاید بتوان برای ارتباط و پیام‌رسانی مفهوم گسترده‌تری از آنچه در بادی امر به نظر می‌رسد، قائل شد؛ یعنی در یک بافت موقعیتی معین به طور همزمان در لایه‌های مختلف پیام‌های متفاوتی منتقل می‌شود. از طریق زبان، گوینده؛ مناسبات، فاصله و جایگاه اجتماعی خود را با مخاطب در میان می‌گذارد. در این جاست که که ساختار قدرت (مناسبات نابرابر و سلسله مراتبی یا روابط برابر و یکسان اجتماعی) نیز در ساخت زبانی یا فرم پیام بازتاب پیدا می‌کند و منتقل می‌شود. در لایه‌ای دیگر، انتخاب و به‌کارگیری یک زبان در تقابل با زبان‌های دیگر، (به عنوان نظام‌های ارتباطی و ممکن و جایگزین) در یک موقعیت و بافت معین، به لحاظ قومی، فرهنگی، ملی و روانی معنی‌دار است و پیام خاصی از همسبتگی و وحدت یا جدایی و حتی تقابل را منتقل می‌سازد. در اینجا زبان نه تنها یک وسیله ارتباطی، بلکه ابزاری است برای نشان دادن هویت ملی، همسبتگی قومی و جایگاه اجتماعی افراد در درون فرهنگ خود (مدرسی، ۱۳۸۴: ۱۳۲)

امروزه کمتر کشوری را می‌توان یافت که دارای نظام زبانی واحد باشد و به همین دلیل اصل تنوع زبانی معمولا در اقصی نقاط جهان، پدیده‌ای معمول و رایج است. در میان کشورهای مختلف و هم در میان سازمان‌های بین‌المللی، احترام به حقوق زبانی به عنوان جلوه‌ای از حقوق بشر مورد توجه قرار گرفته‌است؛ هرچند در خصوص مفهوم و مبانی حقوق مرتبط با زبان اختلاف نظرهای بنیادین وجود دارد اما اصل پذیرفته شده برای همگان در ساحت حقوقی بین‌المللی و نیز حقوق داخلی، احترام به حقوق زبانی است. مباحث مربوط به زبان، در رشته زبان‌شناسی هم تحلیل می‌شود. اگرچه شاید بتوان گفت، حقوق زبانی بیشتر در حقوق داخلی کشورها قابل بحث و بررسی است اما در عرصه بین‌المللی، الگوی ارائه شده توسط سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای نقش مهمی در ارتقای حقوق زبانی دارد.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

مسأله حقوق فرهنگی، به‌ویژه حقوق زبانی در ادبیات حقوق بین‌الملل معمولا به عنوان کالایی لوکس و تجملی نگریسته می‌شود که پس از پرداختن به موضوع نان و آب نوبت به طرح آنها می‌رسد و تنها در مورد جوامعی محلی از اعراب پیدا می‌کند که به سطح معینی از توسعه یافتگی نائل شده‌اند؛ اما از رهگذر مرور تاریخچه جوامع انسانی باید گفت توسعه اقتصادی معمولا با توسعه فرهنگی همراه بوده است؛ بنابراین حقوق فرهنگی نه تنها کالایی تجملی نیست بلکه افزون بر این، وسیله نیل به آب و نان هم به شمار می‌رود. (استاماتوپولو، ۱۳۹۲: ۲۴)

در این میان، عملکرد قاره اروپا با داعیه حقوق بشر و وجود نهادی مانند اتحادیه اروپا که خود را سردمدار حمایت از حقوق بشر می‌داند، قابل ارزیابی است.

از سوی دیگر، اگر حقوق اداری بر مبنای پایه‌هایی مانند خدمات عمومی شکل گرفته باشد؛ باید بسترهای ارائه خدمات عمومی به شهروندان هم آسان باشد و هم در دسترس و برابر. نباید شهروند برای دریافت این خدمات دچار سختی گردد. یکی از الزامات در این حوزه، حق استفاده شهروندان از زبان مادری در ادارات و برای دریافت خدمات عمومی است. اداره نمی‌تواند زبان خاصی را برای درخواست دریافت خدمات از شهروندانش شرط نماید. اگرچه اداره می‌تواند اداره زبان رسمی‌ای را برای برخی وحدت رویه‌ها مانند زبان مدارک اداری لازم بداند ولی نمی‌تواند این خدمات را منوط به «درخواست به زبان رسمی» نماید و شهروند می‌تواند به زبان مادری نیز درخواست خود را ارائه نماید؛ در غیر این‌صورت، مصداق تبعیض ناروایی می‌گردد که نامشروع و ناموجه است. این موضوع به خصوص در کشورهای چند زبانه (از جمله ایران) که در قسمت‌هایی از آنها حتی برخی سالمندان توانایی تکلم به زبانی غیر از زبان مادری را ندارند، موضوعی ضروری است.

در سال ۱۹۸۱، توسعه قابل توجهی در مورد حقوق زبانی در سطح اروپا به وقوع پیوست. در این سال، شورای اروپا توصیه‌نامه شماره ۹۲۸ را در مورد مشکلات تحصیلی و فرهنگی زبان‌های اقلیت در اروپا به تصویب رساند. این سند، هویت‌های زبانی را به عنوان عنصری ضروری برای توسعه اروپا می‌داند و شامل موارد زیر است: استفاده از نام‌های جغرافیایی اصلی یک قلمروی خاص که در زبان بومی معتبر است و الزام اداره‌های دولتی به رسمیت و

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

پذیرش آن، استفاده از گویش‌ها و زبان‌های مادری در مدارس ابتدایی، حمایت از زبان اقلیت‌ها در آموزش عالی و رسانه‌های محلی و اعتبار آنها در ادارات دولتی. توصیه نامه ۹۲۸ گامی اولیه برای تصویب منشور اروپایی زبان‌های منطقه‌ای و اقلیت‌ها[1] در نظر گرفته می‌شود. (Pasikowska-Schnas,2016:25)

اتحادیه اروپا موفق‌ترین الگوی همگرایی منطقه‌ای و یکی از پرنفوذترین سازمان‌های بین‌المللی به شمار می‌رود. در دوران جنگ سرد، اتحادیه اروپا در سیاست خارجی خود علاوه بر اهدافی مانند امنیت ملی و توسعه اقتصادی، مسائل حقوق بشری را نیز مد نظر داشته است. اتحادیه، جهانی‌سازی حقوق بشر را مبنای اصل ایدئولوژیک سیاست خارجی خود قرار داده و احترام به حقوق بشر به شرط اساسی عضویت در اتحادیه اروپا بدل گشته است.

تعدد نهادها در اروپا و معاهداتی که در آن مفاهیم، مقررات و ابزارهای حقوق بشری مورد توجه واقع می‌شوند و رشد کمّی و کیفی بندهای حقوق بشری در معاهدات اقتصادی اتحادیه اروپا با دیگر شرکای تجاری خود، شاهدی بر این مدعاست؛ همچنین در اسناد مربوط به سیاست خارجی، امنیتی و دفاعی اتحادیه اروپا نیز مسأله حقوق بشر مورد تایید قرار گرفته است. (الوندی، کیانی، ۱۳۹۳: ۳۸)

حمایت و احترام به حقوق زبانی، نشانه‌ای از احترام به تنوع و کثرت‌گرایی فرهنگی است. در حال حاضر، اتحادیه اروپا وضعیتی از اجماع مرجعیتی را پیش‌رو می‌گذارد که در آن مرجعیت اقتصاد، سرمایه‌داری، سیاست، دموکراسی، اجتماع، کثرت‌گرایی و فرهنگ و تنوع است. بخش‌های گوناگون سیاست‌گذاری در اتحادیه اروپا نیز قاعدتا باید خود را با این اجماع کلان همانگ سازند. (وحید، اسماعیلی فرد، ۱۳۹۳: ۱۲۰)

1- The European Charter for Regional and Minority Languages (ECRML)

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

۱. تعریف حقوق زبانی

به نظر می‌رسد برای برخی[1] تعریف حقوق زبانی تقریبا غیرممکن است. دلیل این امر در ماهیت پیچیده مفهوم خود زبان نهفته است. این گروه بر این امر تاکید دارند که تعمیم قوانین زبانی و حقوق زبانی تنها در فرض عملی شدن آنها تحقق می‌یابد. دلیل دیگر این امر را می‌توان در جنبه‌های مختلف حقوق زبانی جستجو کرد که بر اساس آن، جمع‌بندی حقوق زبانی در یک بسته جامع را دشوار می‌سازد. برای مثال، حق تفهیم اتهام به متهم به زبانی که می‌فهمد؛ در عین حال که دارای مفهوم حق بر زبان است از معیارهای دادرسی منصفانه نیز به شمار می‌رود.

در این راستا تنها چیزی که می‌توان به صورت کلی در مورد حقوق زبانی گفت این است که معنای عملی حقوق زبانی هنوز در هیچ جا ثبت نشده‌است اما به نظر می‌رسد، می‌توان گفت تنظیم رفتار دولت و شهروندان از طریق قانون همیشه صریحا یا ضمنا شامل یک جنبه زبانی است؛ بنابراین، بخشی از حقوق زبانی مربوط به قوانینی است که نهادهای دولتی با استفاده از زبان‌های مختلف به‌کار می‌برند. از نظر قانون اساسی، حقوق زبانی مربوط به زبان‌های خاص یا گروه‌های زبانی کوچک است. (Arzoz,2007: 4)

حقوق زبانی[2] و حقوق بشر زبانی[3]، انواعی از حقوق هستند که بر استفاده مقامات دولتی، افراد و سایر نهادها از یک زبان تاکید دارند. نکته قابل توجه تمایز میان حقوق زبانی و حقوق بشر، زبانی است. حقوق مربوط به زبان گستره وسیع‌تری نسبت به حقوق بشر زبان دارد. زبان با فرهنگ و طبیعت انسان‌ها در ارتباط است و به نوعی بیان هویت است و به همین دلیل مسائل مرتبط با زبان به ویژه برای جوامع دارای اقلیت‌های زبانی اهمیت دارد؛ زیرا اقلیت‌ها از طریق زبان، هویت فرهنگی گروه خود را حفظ می‌کنند. حقوق زبانی را باید در

---

1 -Douglas A. Kibbee, ―Presentation: Realism and Idealism in Language Conflicts and Their Resolution", in Douglas A. Kibbee (ed.), Language Legislation and Linguistic Rights: Selected Proceedings of the Language Legislation and Linguistic Rights Conference, the University of Illinois at Urbana-Champaign, March 1996 (J. Benjamin Publishers, Amsterdam, Philadelphia,1998).

2 - Language rights

3 - Linguistic human rights

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

مقررات مختلف حقوق بشر و آزادی‌ها، مانند ممنوعیت تبعیض، آزادی بیان، حق بر زندگی خصوصی، حق تحصیل و حق اقلیت‌های زبانی برای استفاده از زبان مادری جستجو کرد. این حقوق در اسناد گوناگون احصا شده است، مانند اعلامیه سازمان ملل متحد درباره حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی، قومی، مذهبی و زبانی، اصول زبان و آموزش یونسکو، توصیه‌های مختلف در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، تفسیر موضوعی شورای اروپا (شماره ۳)، حقوق اقلیت‌های قومی تحت مقررات کنوانسیون و سایر اسناد. علی‌رغم وجود اختلافات، همه این اسناد توصیه‌هایی را به مقامات دولتی در مورد اجرای تعهدات حقوق بشری در رابطه با زبان ارائه می‌دهند و بر موارد زیر تاکید دارند:

–تحکیم آستانه تحمل، تنوع فرهنگی، زبانی و احترام متقابل، درک و همکاری در تمامی بخش‌های جامعه؛

– توجه به قوانین و سیاست‌های مربوط به حقوق بشر زبانی و ارائه چارچوب مشخص از استانداردها و رفتارها؛

– پیروی از تعهدات حقوق بشر با توجه به اصل تناسب در استفاده یا حمایت از زبان‌های مختلف توسط مقامات دولتی و اصل آزادی زبان برای اشخاص.

بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی در سال‌های اخیر، رویه‌ها و ابزارهای پیاده‌سازی حقوق زبانی را توسعه داده‌اند. نهاد سازمان ملل دربارهٔ مسائل مربوط به اقلیت‌ها، بخش زبان‌ها و کثرت‌گرایی زبان در یونسکو، کمیته مشورتی شورای اروپا در چارچوب کنوانسیون حمایت از اقلیت‌های ملی و کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در موضوعات اقلیت‌ها به ارائه یک سری عوامل برای تبادل دانش، پشتیبانی و تخصص برای فعال کردن ابزارهای حقوق بشر در جهت اجرای حقوق زبانی پرداخته‌اند.

(Language rights of linguistic minorities a practical guid for implementation,2017:7)

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

۲. رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر در زمینه حقوق زبانی

چنان که قبلا بیان شد، از اسناد مهم بین‌المللی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از حقوق مربوط به زبان سخنی به میان نیامده است. در چنین خلایی، نهادهای بین‌المللی معمولا حقوق زبانی را در میان دیگر انواع حقوق بشر مانند حق مشارکت در حیات فرهنگی، حق آزادی بیان، حق به رسمیت شناختن زندگی خصوصی و خانوادگی جستجو می‌کنند و در چارچوب این حقوق به شناسایی حقوق زبانی می‌پردازند.

در سطح قاره اروپا نیز اقداماتی صورت گرفته است. در سال ۱۹۸۱، سازمان‌های سیاسی اتحادیه اروپا با همکاری شورای اروپا، دفتر اروپایی زبان‌های اقلیت[1] را در جهت حمایت از زبان‌های اقلیت و تنوع فرهنگی در اتحادیه اروپا تاسیس کردند. از زمان تاسیس اتحادیه اروپا تاکنون، شورای اروپا دو معاهده برای حمایت از زبان‌های منطقه‌ای و اقلیت‌ها در اتحادیه اروپا به تصویب رسانده است؛ منشور اروپایی زبان‌های منطقه‌ای و اقلیت‌ها مصوب[2]۱۹۹۲ و کنوانسیون حمایت از اقلیت‌های ملی[3] مصوب ۱۹۹۵.

ماده یک منشور، حقوق صحبت‌کنندگان زبان‌های غیر سرزمینی در اتحادیه اروپا را به رسمیت نشناخته است. این زبان‌ها شامل زبان عشایران و مهاجران مانند رومانیایی، زبان مهاجران غیر اروپایی مانند پنجابی، اردو، بنگالی، در انگلستان، کردی و ترکی در آلمان و بربر در فرانسه می‌شود؛ درحالی که معاهده دوم هیچ تعریفی از اقلیت‌ها ارائه نمی‌دهد اما عنوان خود معاهده نشان می‌دهد که اقلیت‌ها (عشایر و مهاجران) از قانون‌گذاری استثناء شده‌اند.

استثناء انگاشتن زبان عشایران و مهاجران از مقررات کنوانسیون از دید محققان زبان نشان می‌دهد که اقلیت‌های غیرسرزمینی حقوق کمتری نسبت به گروه‌های خودی دارند. متاسفانه باید گفت نه دفتر زبان‌های اروپایی اقلیت و نه حتی منشور، اقدام قابل توجهی در

1 - EBLUL
2 - ECRML
3 -FCNM

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

حمایت از حقوق اقلیت‌های زبانی، مهاجران و عشایران در سطح اتحادیه اروپا ارائه نداده‌اند. (Eduardo,D, Faingold, 2015: 39)

البته حقوق زبانی در دیگر اسناد بین‌المللی منطقه‌ای مورد توجه قرار گرفته‌است طبق گزارش کمیته سازمان ملل متحد در مورد حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حق همه برای شرکت در زندگی فرهنگی، مندرج در بند ۱ ماده ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شامل حق بیان هر شخص در زبان انتخابی خود می‌گردد. این مورد به ویژه برای اشخاصی که به یک اقلیت تعلق دارند، برای حفظ فرهنگ و ترویج و توسعه آن زبان اهمیت دارد. حقوق مرتبط با زبان در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر در ارتباط با اقلیت‌های زبانی و نیز شهروندان خارجی جاری است.

(Report of cultural rights in the case law of the ECHR,2011:23-ECRML)

1. FCNM

حق بر زندگی خصوصی[1]، اصطلاح وسیعی است که در رویکرد دادگاه اروپایی نیز مفهوم موسع آن مورد توجه قرار گرفته است. نکته دیگر آن که از حق بر زندگی خصوصی نمی‌توان تعریف جامعی ارائه داد اما می‌توان گفت، آزادی زبان یک حق ماهوی (ذهنی) است. با این وجود، مطالبه این حق را به دلایل زیادی می‌توان بر اساس ماده ۸ معاهده انجام داد. اقتضای حق بر زندگی خصوصی این است که افراد بتوانند با زبان دلخواه خود صحبت کنند و ایجاد موانع قانونی و یا تجویز قانونی یک زبان با این حق مغایر است.

(D Faingold,2015: 37)

لازم به ذکر است که دادگاه اروپایی حقوق بشر حمایت از حقوق زبانی را از طریق اعمال ماده ۸ (حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی)، ماده ۱۰ (حق آزادی بیان) و ماده ۲ از پروتکل شماره ۱ (حق آموزش و پرورش) اعمال می‌کند.

1- Right to personal life

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

۱-۲. حمایت از حقوق زبانی در پرتوی ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

عنوان ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، «حق بر احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی» است. این ماده از دو بخش مجزا تشکیل شده است که در بند نخست به تصریح و بیان حق پرداخته شده و در بند دوم آن، موارد دخالت و تحدید این حقوق و به عبارتی میزان دخالت و نحوه دخالت‌های حکومت‌ها بیان شده است. بر اساس این ماده: ۱.«هرشخصی از حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی، خانه و مکاتبات خود برخوردار است.» ۲. «مقامات دولتی هیچ‌گونه مداخله در اعمال حق مذکور نخواهند داشت؛ مگر اینکه مطابق با قوانین بوده و مداخله آنها در چارچوب جامعه مردم‌سالار برای امنیت ملی، سلامت عمومی یا رفاه اقتصادی کشور، پیشگیری از بی‌نظمی یا جرم، حمایت از بهداشت و اخلاق یا برای حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران ضروری باشد.»(رحیم خویی، رستم‌زاد، ۱۳۹۶: ۲۶۴)

همان‌گونه که دادگاه اروپایی حقوق بشر به صراحت بیان کرد که صرف مقررات دادگاه اروپایی حقوق بشر از آزادی زبان حمایت نمی‌کند و ضمانت اجرایی برای آن ندارد اما از سوی دیگر شکی نیست زبان یک شخص که ممکن است زبان مادری یا اکتسابی وی باشد؛ جنبه‌ای از تعریف هویت انسانی اوست؛ بدین‌ترتیب، آزادی استفاده از زبان مادری به عنوان حقی فردی شناسایی شده که جزیی از حق احترام به زندگی خانوادگی است. احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی بر اساس ماده ۸ معاهده اروپایی[۱] حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است. حمایت از حقوق زبانی از بعد دیگری نیز قابل استنباط است و آن کرامت انسانی است. احترام به کرامت انسانی بر اساس ماده یک منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا[۲]،غیر قابل نقض است و باید محترم شمرده و حمایت گردد. هر ادعایی با برچسب آزادی زبان

---

۱. ماده ۸ معاهده اروپایی حقوق بشر: حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی افراد:

۱.هرکس از حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی، خانه و مراسلات خود برخوردار است.

۲. در اجرای این حق هیچ مداخله‌ای نباید از سوی هیچیک از مقامات دولتی صورت گیرد مگر مداخلات منطبق بر قانون و مواردی که در یک جامعه مردم سالار به دلیل حفظ امنیت ملی، ایمنی عمومی یا رفاه اقتصادی کشور، پیشگیری از هرج و مرج و جرایم، حفاظت از سلامتی و اخلاقیات یا حفاظت از حقوق سایرین ضروری تشخیص داده شوند.

۲. کرامت انسانی حقی است غیرقابل انکار. این حق باید مورد حمایت و احترام قرار گیرد.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

می‌تواند بر اساس حق بر حریم خصوصی یا حمایت از کرامت انسانی حمایت شود. (Schiling,2008: 1220)

در پرونده Guzel Erdagoz v.Turkey[1]، دادگاه نقض ماده ۸ کنوانسیون را احراز کرد. در این پرونده، خواهان؛ خواستار تغییر املای نام خانوادگی خود بود. به‌عقیده وی، تلفظ صحیح نام وی «Gozel» بود نه « Guzel». استدلال خواهان این بود که دوستان و اعضای خانواده‌اش او را به این نام می‌خوانند. دادگاه داخلی درخواست وی را به دلیل اینکه تلفظ مورد نظر خواهان در الفبای رسمی ترکیه وجود ندارد، رد کرد. با توجه به ماده ۸ (احترام به زندگی خصوصی) و نیز ماده ۱۴ (ممنوعیت تبعیض)، وی مدعی بود که دلیل رد شکایت، ریشه کردی نام خانوادگی اوست و در واقع او قربانی تبعیض بر اساس زبان و هویت کردی شده است. دادگاه در این مورد تصریح کرد که رد تقاضای این شخص توسط دادگاه‌های ترکیه بر اساس هیچ قاعده مشخص و منطقی نیست؛ بنابراین شامل قید «احراز ضرورت در یک جامعه دموکراتیک» نمی‌گردد. نکته دیگر این بود که دادگاه در رای خود نقض ماده ۸ را محرز دانسته و شکایت جداگانه بر اساس ماده ۱۴ را لازم نمی‌داند
. (Case of Guzel Erdagoz v Turket,2008: para10)

در چنین دعاوی، امتناع از پذیرش خواهان توسط مقامات حاکمیتی به نادیده انگاشتن منافع مهم شهروندان می‌انجامد. به طور کلی در راستای حمایت از حقوق زبانی، دادگاه از این حق دفاع می‌کند که هر شخص می‌تواند نامی منحصر به فرد داشته باشد. در پرونده مورد نظر، دادگاه داخلی، اعطای حق را مغایر با امنیت ملی می‌داند؛ چرا که منجر به آزادی بیانی می‌گردد که از نظر دادگاه خارج از ضوابط و معیارهای قانونی است.

در ارتباط با حقوق مربوط به نام اشخاص، دادگاه همیشه وجود مبنای قانونی و مشروع را برای دخالت در نظر می‌گیرد. مبانی قانونی دولت برای دخالت باید به قدر کافی شایسته و قابل پیش‌بینی باشد تا بتوان بر اساس آن قانونی یا غیرقانونی بودن یک رفتار را سنجید. این معیار می‌تواند قانون مصوب پارلمان، آیین‌نامه، حتی قوانین نانوشته مانند رویه قضایی یا

1 - Guzel Erdagoz V Turkey,no (37483/02), 2008,

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

عرف حقوق بین‌الملل باشد. در خصوص ماده ۸، دادگاه تعهد منفی دولت‌ها را ملاک عمل قرار می‌دهد. (Ravasi,2017: 108)

۲-۲. حمایت از آزادی مکاتبات برمبنای زبان مادری

ماده ۸ معاهده در ارتباط با حق زندانیان برای آزادی مکاتبات به زبان مادری نیز اعمال می‌شود. در پرونده Mehmet nuri Ozen and others v Turkey[1] نیز دادگاه اروپایی معیارهای جالبی برای حمایت از حق بر استفاده از زبان مادری ارائه می‌دهد.

خواهان در این پرونده خواستار صحبت به زبان مادری یعنی زبان کردی با خویشاوندان و نزدیکان خود در ارتباطات تلفنی بود و این در حالی بود که مقامات زندان اجازه استفاده از زبان کردی را به وی ندادند. دادگاه داخلی تقاضای خواهان را رد کرد و معتقد بود که اقدام مقامات زندان در راستای رویه و قانون موجود بوده است. بر اساس نظر دادگاه ، قوانین ۵۲۷۵ و نیز قانون شماره ۸۸ اصول جدیدی را در خصوص ممنوعیت استفاده از زبانی غیر از زبان ترکی مقرر می‌کنند. برای اشخاصی که زبان ترکی نمی‌دانند، مقامات زندان باید فرم مخصوصی تهیه کنند و با نظارت مقامات زندان مکالمات انجام شود. در واقع در این مورد، خواهان علی‌رغم تسلط به زبان ترکی، خواستار استفاده از زبان مادری خود در مکالمات تلفنی بود. (Case of Mehmet nuri Ozen and others v Turkey,2014: para10)

دادگاه اروپایی در این مورد، یادآوری می‌کند که حق احترام به زندگی خانوادگی زندانیان حقی اساسی است و مقامات زندان باید در برقراری ارتباط موثر ایشان با اعضای خانواده همکاری کنند. از سوی دیگر، دادگاه برخی از ابزارهای نظارتی را برای زندانیان در خصوص برقراری تماس با دنیای بیرون در نظر می‌گیرد که همسو با اهداف کنوانسیون است.

در خصوص شرط مطابقت با قانون در دخالت مقامات دولتی، این معیار را ارائه می‌دهد که دخالت مستلزم آن است که اولا مجوز قانونی از منظر حقوق داخلی موجود باشد. قانون باید برای مخاطب در دسترس و قابل پیش‌بینی باشد. در این مورد دادگاه اروپایی این مسأله

1 - Mehmet nuri Ozen and others v Turkey,no 60915/08/, 2014

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

را احراز کرد که مداخله مقامات دولتی بر اساس مقرره شماره ۸۸ است که بر اساس مکالمات تلفنی باید به زبان ترکی باشد؛ مگر در شرایط خاص. خواهان در این مورد مدعی بود که اقدامات مقامات زندان به هیچ وجه از الزامات یک جامعه دموکراتیک نیست؛ همچنین عنصر ضرورت در آن وجود ندارد. در واقع ممنوعیت ارتباط با زبان اقلیت، با معیارهای یک دموکراسی واقعی سازگار نبود؛ چون احترام به فرهنگ، اخلاق و مذهب و نیز به رسمیت شناختن کثرت‌گرایی یکی از اهداف اصلی دموکراسی‌های معاصر است. خواهان مدعی است که متعلق به یک اقلیت قومی است که توسط دولت پاسخگو به رسمیت شناخته نشدند اما در فضای حقوق بین‌الملل، وجود اقلیت‌ها بستگی به این شناسایی ندارد؛ بنابراین حداقل تعهد دولت در قبال آنها، عدم ایجاد مانع برای دسترسی به زبان، فرهنگ و هویت است. استدلال دیگر خواهان، قوانین مربوط به زندانیان بود که توسط شورای اروپا به تصویب رسیده است. قانون شماره ۳۸ برای زندانیان متعلق به اقلیت‌های قومی و زبانی ترتیبات ویژه‌ای در نظر گرفته است و بر اساس آن، نیازهای زبانی با استفاده از مترجمان صالح برآورده می‌گردد. در آخر، خواهان معتقد بود که از مفاد توصیه‌نامه اسلو، روشن است و نیز با توجه به ماده ۵۱ مقررات استاندارد سازمان ملل متحد برای رفتار با زندانیان، دولت باید اقدامات لازم را برای برآورده ساختن نیازهای آنان فراهم کند.[1] اما دادگاه در ارزیابی اولیه خود معتقد است حق زندانی برای برقراری ارتباط شفاهی و کلامی از طریق تلفن و به زبان مادری نه تنها جنبه ویژه‌ای از احترام به مکاتبات است اما بالاتر از آن جنبه‌ای از حق احترام به زندگی خانوادگی است که بر اساس بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون مورد حمایت قرار گرفته است. دادگاه در پرونده‌های دیگری نیز این نکته را متذکر شده که اگرچه آزادی زبان از حقوق مندرج در کنوانسیون نیست اما حقوق مندرج در بند دو ماده ۵ (حق یک شخص برای آگاهی از دلایل دستگیری و اتهامات به زبانی که متوجه می‌شود) و نیز بند ۳ ماده ۶ (حق شخص برای داشتن مترجم در صورتی که قادر به استفاده از زبان رسمی دادگاه نباشد.) موید حمایت از حقوق زبانی است

. (Case of Mehmet Sirin Bozecah and MesutYursever, 2014, para6)

1 - Mehmet Sirin Bozecah and Mesut Yursever, no 32054/08 and 3753/08

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

دادگاه بر این موضوع تاکید می‌کند که محمل اصلی حق موجود در این پرونده، حق بر ارتباط معنادار با اعضای خانواده برای خواهان‌هاست؛ همچنین حق استفاده از زبان مادری در مکالمات نیز مطرح است. دادگاه توجه مقامات ملی را به اهمیت توصیه‌نامه مرتبط با حقوق زندانیان مصوب ۲۰۰۶ معطوف می‌دارد؛ هر چند کشورها به آن ملحق نشده باشند. [۱]

۳-۲. آزادی بیان و ارتباط آن با حقوق زبانی

ماده ۱۰ کنوانسیون در خصوص آزادی بیان است و چنین مقرر می‌کند:

۱. «هر کس از حق آزادی بیان برخوردار است. این حق باید شامل داشتن عقاید و دریافت و بیان اطلاعات و ایده‌ها بدون دخالت مقامات دولتی و بدون درنظر گرفتن مرزبندی‌های جغرافیایی باشد. این ماده مانع تقاضای دولت‌ها برای دریافت مجوز به منظور انتشار اخبار یا فعالیت‌های بنگاه‌های تلویزیونی و سینمایی نخواهد بود».

۲. اعمال این آزادی‌ها از آنجا که با خود، وظایف و مسئولیت‌هایی به همراه دارد؛ ممکن است نیازمند تشریفات، شرایط، محدودیت‌ها یا مجازات‌هایی باشد که توسط قانون مقرر شده و در یک جامعه مردم‌سالار به منظور حفظ منافع ملی، تمامیت ارضی یا ایمنی عمومی جهت ممانعت از ایجاد هرج و مرج یا ارتکاب جرایم، حفاظت از سلامتی و اخلاقیات مردم، حمایت از ابرو یا حقوق سایرین، جلوگیری از افشای اطلاعات محرمانه یا حفظ اقتدار و بی‌طرفی دستگاه قضاوت لازم و ضروری هستند».

٤-۲. آزادی بیان بر مبنای استفاده از زبان مادری

در پرونده Ulusoy and other V Turkey[۲]، خواهان مقاله‌ای را به زبان کردی به رشته تحریر درآورده بود. در این خصوص، دولت ترکیه توجه دادگاه را به الفاظ استفاده شده در مقاله توسط نویسنده جلب کرد. از جمله اینکه به بخش‌هایی از ترکیه عنوان «کردستان» اطلاق کرده و از فعالیت‌های تروریستی با عنوان «مبارزه برای آزادی ملی» یاد کرده است.

---

1 - European court of human right , second section, case of Nusret kaya and others v Turkey, 2014, p22

2 - Ulusoy V Turkey, no 52709/99, 2007

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

دولت ترکیه معتقد است مقاله مزبور با استفاده از زبان کردی و نیز عبارات موجود در آن ماهیتی تحریک‌آمیز دارد. اقدام نویسنده، وحدت ملی، تمامیت ارضی و امنیت را به خطر می‌اندازد. دادگاه اروپایی حقوق بشر معتقد است که اگرچه نویسنده در مقاله خود سیاست‌های دولت حاکم را درخصوص مشکلات کردها مورد انتقاد قرار داده است اما این نقد، خدشه‌ای به یکپارچگی و وحدت دولت ترکیه وارد نمی‌کند.

(Case of - Ulusoy V Turkey, 2007: para12)

۵-۲. حق آموزش و پرورش به زبان مادری

کنوانسیون یونسکو در مورد رفع تبعیض در آموزش، مبتنی بر قواعد برابری و عدم تبعیض است. بند ج ماده ۵ شامل حق اقلیت‌ها بر ایجاد و تاسیس فعالیت‌های آموزشی خودشان (از جمله حفظ مدارس، وابسته به سیاست آموزشی هر کشور است) و استفاده از تدریس زبان خودشان می‌باشد؛ همچنین کنوانسیون حقوق کودک، آموزش و اقلیت‌ها را مدنظر قرار می-دهد. اعلامیه حقوق اقلیت‌ها با اضافه شدن به کنوانسیون یونسکو و کنوانسیون حقوق کودک، در بند ۳ ماده ۴ مقرر می‌دارد که دولت‌ها باید تا حد ممکن، اقدامات مناسبی را اتخاذ نمایند؛ به گونه‌ای که افراد متعلق به اقلیت‌ها بتوانند فرصت‌های مناسب برای یادگیری زبان مادری خود داشته باشند یا فرصت‌های مناسب برای تدریس و آموزش در زبان مادری داشته باشند. (همتی، ۱۳۹۳: ۲۴۲)

در پرونده Egitim ve Bilim Emekcileri Sendikasi V Turkey[1] ، دادگاه بار دیگر نقض ماده ۱۰ کنوانسیون را احراز کرد. پرونده مربوط به اتحادیه کارگری در خصوص آموزش و پرورش بود که در سال ۱۹۹۵ در آنکارا تاسیس شد. این اتحادیه دارای ۱۶۷۰۰۰عضو بود و ۴۳۰ شعبه در شهرهای مختلف داشت. در سال ۲۰۰۵، فرماندار آنکارا از مدیر اتحادیه خواست تا عبارت «استفاده از زبان مادری» را از اساسنامه خود حذف کنند؛

1 - Egitim ve Bilim Emekcileri Sendikasi V Turkey ,no 20641/05, 2012

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

چون مغایر با اصول ۳ و ۴۲ قانون اساسی ترکیه و نیز قانون شماره ۴۶۸۸ در خصوص اتحادیه‌های کارگری است.

اتحادیه بر مبنای این فرمان اساسنامه را به این شکل اصلاح کرد: «اتحادیه از حقوق همه اشخاص در جامعه برای دریافت آموزش به زبان مادری و نیز حق توسعه فرهنگ خود دفاع می‌کند.» نکته جالب آن که دادستان عمومی اقدامات انحلال را که توسط فرماندار آغاز شده بود؛ متوقف کرد و معتقد بود اولا اصلاحات اعمال شده‌اند و ثانیا این موضوع جنبه عمومی دارد که بارها در احزاب سیاسی مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفته است؛ در واقع دادستان قرار منع تعقیب را صادر کرد. در سال ۲۰۰۴، بار دیگر فرماندار آنکارا خواستار حذف عبارت «دریافت آموزش به زبان مادری» از ماده دو اساسنامه گردید. فرماندار به قانون شماره ۲۹۲۳ مصوب ۱۹۸۳ استناد کرد که بر اساس آن تدریس تعدادی از زبان‌ها و لهجه‌ها جایز است اما ماده دو اساسنامه که تحصیل به زبانی غیر از ترکی را تجویز می‌کند در مغایرت با آن قانون است. عالی‌ترین مرجع دادرسی کار ترکیه، تقاضای انحلال را رد کرد؛ چرا که مقررات اساسنامه به اتحاد ملی و منطقه‌ای جمهوری ترکیه خدشه‌ای وارد نمی‌کند. دادگاه کار اقدام اتحادیه را در راستای مفاد ماده ۹۰ قانون اساسی ترکیه و نیز مواد ۱۰ و ۱۱ کنوانسیون دانست.

دیوان دادرسی کار نظر تفسیری خود را در خصوص مواد ۱۰ و ۱۱ کنوانسیون ارائه داد: آزادی بیان به هر زبانی شرط ضروری برای تحقق جامعه کثرت‌گرا و نیز توسعه فردی است. بدون آزادی بیان، دموکراسی هم وجود ندارد. بر اساس اصل ۶۶ قانون اساسی ترکیه، زبان رسمی جمهوری ترکیه، ترکی است و هر شهروند متصل به ترکیه ترک محسوب می‌شود. از این دیدگاه، یادگیری زبان دیگری غیر از زبان ترکی نقض قانون محسوب نمی‌شود اما باید گفت چنین اقدامی باید وابسته به دولت ترکیه باشد. اگرچه زبان رسمی ترکیه، ترکی است اما مانعی برای یادگیری دیگر زبان‌ها وجود ندارد. در واقع برای انحلال اتحادیه به دلیل ماده دو اساسنامه باید دو شرط «تهدید قریب‌الوقوع» یا «خشونت» وجود داشته باشد. اتحادیه در واقع به دنبال حفظ آموزش و پرورش به زبان مادری و توسعه فرهنگ بود.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

دادگاه اروپایی حقوق بشر در این خصوص تاکید می‌کند: آزادی بیان مندرج در بند دو ماده ۱۰ کنوانسیون نه تنها به اطلاعات و ایده‌های مورد حمایت حکومت برمی‌گردد؛ بلکه شامل مخالفان حکومت نیز می‌گردد. چنین خواسته‌هایی در واقع نشانگر پلورالیسم، تحمل و انعطاف‌پذیری است که بدون آنها جامعه دموکراتیک وجود ندارد. همان طور که در ماده ۱۰ آمده است: آزادی بیان اصل است و هر استثنایی باید تفسیر مضیق شود و نیاز به هر محدودیتی باید قانع‌کننده باشد. دادگاه اروپایی به عبارت استفاده شده در بند دو ماده ۲ اساسنامه توجه می‌کند و بر اساس آن این دیدگاه را می‌پذیرد که آزادی بیان مقرر در ماده ۱۰ کنوانسیون شامل هر زبانی است که از طریق آن می‌توان اطلاعات مختلف فرهنگی و سیاسی را تبادل کرد. ماده ۲ اساسنامه از آموزش به زبان مادری دفاع می‌کند. زبان مادری مذکور در ماده ۲ اساسنامه شامل زبان ترکی و نیز زبان‌های غیر ترکی می‌گردد؛ همان گونه که کمیته اروپایی مبارزه با نژادپرستی[1]، زبان کردی را نیز جزء زبان‌های مادری معرفی کرده است. در این ارتباط باید خاطرنشان کرد که ماده ۱۰ نه تنها از ماهیت و مفهوم ایده‌ها و اطلاعات حمایت می‌کند؛ بلکه از نوع بیان بدون در نظر گرفتن رسانه یا زبان استفاده شده نیز حمایت می‌کند. به عبارت دیگر برای تحقق آزادی بیان، نوع زبان استفاده شده اهمیتی ندارد.

در این پرونده، حتی با این فرض که اتحادیه به دنبال توسعه آموزش به زبان کردی به عنوان زبان مادری (علاوه بر زبان ترکی) بوده است، دادگاه مجددا تاکید می‌کند که بر اساس بند ۲ ماده ۱۰ کنوانسیون، محدودیت‌های کمی برای تضییق حق آزادی بیان وجود دارد. دادگاه بر این موضوع اذعان دارد که ماده ۲ اساسنامه، متضمن استفاده از خشونت، قیام مسلحانه یا شورش نیست و ماهیت صلح آمیز این ماده عنصر ضروری برای مشروعیت آن محسوب می‌گردد. دادگاه، استدلال دولت ترکیه در خصوص لطمه به وحدت ملی را رد

1 - ECRI

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

می‌کند؛ چون کردها نیز بخشی از اعضای تشکیل‌دهنده جامعه ترکیه هستند و از حق آموزش به زبان کردی برخوردارند.

(Case of Egtim ve Bilim Emekccileri sendikasi v Turkey, European court of human rights, 2012: p16)

در پرونده دیگری[1]، خواهان‌ها دعوای خود را از طرف فرزندان خود در فاصله سال‌های ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۴ مطرح کردند. آنها مدعی هستند قوانین زبانی کشور بلژیک در ارتباط با آموزش، حق آنان را بر اساس ماده ۸ و نیز ماده ۱۴ و نیز ماده ۲ پروتکل الحاقی مصوب ۱۹۵۲کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نقض می‌کند. خواهان‌ها ساکن شهرهای آلسمبرگ، بئرسل، آنتورپ، گنت، لوون و فیلفورد و متعلق به منطقه هلندی زبان بودند.

خواهان‌ها قوانین ۲۷ جولای ۱۹۵۵، ۲۹ می ۱۹۵۹ و ۳۰ جولای ۱۹۶۳ را دربارهٔ استفاده از زبان در امر آموزش و پرورش به چالش کشیدند. این قوانین موادی درخصوص زبان مورد استفاده در آموزش ابتدایی و متوسطه و نیز اعطای درجه دانشگاهی داشتند.

بخش چهارم از قانون مصوب ۱۹۳۶ توجه خاصی بدان داشت. این ماده مقرر می‌کند که زبان آموزش و پرورش در مناطق هلندی‌نشین؛ هلندی، در مناطق فرانسوی زبان؛ فرانسوی، و در مناطق آلمانی‌نشین؛ آلمانی باشد. در پنج کمون دیگر در حوالی بروکسل که زبان معمول هلندی است؛ آموزش در سطح مهدکودک‌ها و ابتدایی فرانسوی است اما در خصوص تحصیلات بالاتر آموزش و پرورش به زبان فرانسوی مجاز است؛ اگر این زبان، زبان مادری کودک باشد.

خواهان‌ها که فرزندانشان بیش از ۸۰۰ تن بودند؛ ادعا می‌کنند که قوانین مناطق هلندی زبان که در آن زندگی می‌کنند مقررات کافی برای آموزش زبان فرانسوی ندارد؛ همچنین مدعی هستند که دولت بلژیک کمک‌های مالی خود را از مدارس این مناطق منع کرده است. همچنین مقامات دولت بلژیک به این دانش اموزان اجازه شرکت در کلاس‌های فرانسوی زبان را نمی‌دهند و متقاضیان مجبور به ثبت نام فرزندان خود در مدارس محلی هستند.

---

1 - Belgium Linguistics Case - ‘In the case “relating to certain aspects of the laws on the use of languages in education in Belgium” v Belgium’, No1474/62, 1677/62. 1691/62. 1769/63. 2126/64, 1968

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

دادگاه با اکثریت ۷ رای از ۸ رای به این نتیجه رسید که قانون ۱۹۶۳ با مواد ۱۴ و نیز ماده ۲ پروتکل شماره ۱ مطابقت دارد. دادگاه در این خصوص تاکید می‌کند که حق بر آموزش متضمن حق بر آموزش به زبان ملی است و شامل اولویت‌های زبان مادری در آموزش و پرورش نمی‌شود.

(Belgium Linguistics Case,1968: para7)

حق بر آموزش و پرورش در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد شناسایی قرار گرفته است. همچنین در کنوانسیون حقوق کودک نیز حق هر کودک بر آموزش تاکید شده است. همچنین دولت‌ها باید اقدامات تشویقی در جهت حضور فعال کودکان در مدرسه انجام دهند. اما آنچه که در مورد سیاست‌های آموزشی زبان وجود دارد نه تنها قابل ملاحظه نیست بلکه در سطح پایینی است. چنین سیاست‌هایی بر خلاف بند ۱ ماده ۲۸ است. مشکلات جدی در آمورش دانش آموزان زبان اقلیت و در مدارسی که به زبانی غیر از زبان اقلیت‌ها صورت می‌گیرد در تعارض کامل با بند ۱ ماده ۱۳ و نیز بند ۱ ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک است. به نظر می‌رسد رویه دیوان امروزه در این مورد تغییر کرده‌است. به عنوان مثال در دعوای Cyprus V Turkey، که مربوط به تعطیلی مدارس متوسطه منطقه قبرس توسط ترکیه بود، دادگاه رویه جدیدی را در پیش گرفت. در این مدرسه آموزش از طریق زبان یونانی صورت می‌گرفت. دادگاه اذعان کرد که لغو آموزش متوسطه یونانی در این شرایط منجر به انکار حق آموزش می‌گردد. با توجه به این که متخصصان آموزش ابتدایی معتقدند تحصیل به زبان اجباری در مورد کودکان اثرات نامطلوبی بر امر آموزش می‌گذارد، چنین آموزش‌هایی نقض ماده دو است. در این مورد گزارش خانم کاتارینا توماشوفسکی[1]، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در مورد حق آموزش مورد توجه است. او تعهدات دولت در خصوص اجرای ماده ۱۳ میثاق حقوق مدنی و سیاسی را شامل چهار عنصر سودمندی، دسترسی، مقبولیت و پذیرش می‌داند. او بیان می‌کند که تنها مشکل دسترسی به نهادهای آموزشی کافی سبب می‌شود تا حق آموزش در عمل محقق نگردد. زبان آموزش بر

1 - Katarina Tomasevski

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

اساس معیار «پذیرش» مورد بحث قرار می‌گیرد. بر این اساس، احترام به زبان انتخابی توسط والدین برای آموزش مانند احترام به اعتقادات مذهبی والدین در امر تحصیل است. در مورد پرونده بلژیک، حقوق والدین برای تحصیلات دولتی در زبان انتخابی خود مورد انکار قرار گرفته است. به همین ترتیب، حق اقلیت‌ها در تاسیس، مدیریت و نظارت بر مدارس با زبان خود ذکر شده است. از منظر گزارشگر ویژه، زبان آموزش عمدتا بر اساس «در دسترس بودن» تعریف می‌شود. موانع موجود بر دسترسی می‌تواند به صورت فیزیکی (برای مثال، فاصله تا مدرسه)، مالی (به عنوان مثال، هزینه‌های تحصیلی و رایگان نبودن آموزش)، مانع اداری (برای نمونه، الزام به ثبت‌نام در محل تولد و یا گواهی اقامت برای ثبت‌نام در مدرسه) یا مانع قانونی در صورتی که مدل آموزشی انتخاب شده برای یک مدرسه به کودکان متعلق به زبان‌های اقلیت اجازه تحصیل به زبان مادری را ندهد. در این شرایط، معیار دسترسی کاملا از بین می‌رود. تدریس به زبانی غیر از زبان مادری سبب می‌شود تا دانش‌آموزان اقلیت از دسترسی برابر به آموزش محروم گردند. در این‌صورت، ترکیبی از موانع زبانی، آموزشی و روان‌شناختی برای آموزش و پرورش وجود دارد. (Magga,2010:10)

در پرونده دیگری Catan and Others v. Moldova and Russia[1]، دادگاه بر این امر تصریح می‌کند که متن ماده ۲ پروتکل شماره ۱، نوع زبان را در آموزش مشخص نمی‌کند. نکته دیگر آنکه حق آموزش بدون توجه به علاقه ذی‌نفعان بی معنی خواهد بود؛ بنابراین، حق آموزش باید دربرگیرنده آموزش به زبان ملی یا یکی از زبان‌های مرسوم باشد. حق تعیین شده در بند دوم ماده ۲ پروتکل، حقی است که در راستای تکمیل بند ۱ آمده است، در وهله اول، والدین؛ مسئول آموزش و تربیت فرزندان خود هستند؛ بنابراین می‌توانند دولت را ملزم به احترام به مذهب و اعتقادات فلسفی خود کنند. بند دوم قصد دارد از امکان پلورالیسم در آموزش و پرورش حمایت کند؛ به این معنا که دولت در انجام وظایف مورد نظر در رابطه با آموزش و پرورش روش پلورالیستی را به کار گیرد.

1 -Case of Catan and Others v. Moldova and Russia, ۰٤/٤٣٣٧۰, 8252/05, 18454/06, 2012,

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

(Case if catan and others V Muldova and Russia, European court of human rights, 2012: p 12)

٦-۲. حقوق زبانی در بستر رقابت‌های سیاسی

حقوق زبانی در بستر سیاسی، مرتبط با حقوق افراد در مبارزات انتخاباتی و حق استفاده از زبان دلخواه معنی می‌یابد. ماده ۳ پروتکل شماره ۱ در مورد حق انتخابات آزاد است. دادگاه در رویه خود حق مبارزه انتخاباتی را شامل حق استفاده از زبان مادری می‌داند.

در قضیه Sukran Aydin and Others V Turkey، [۱] خواهان‌ها؛ نامزدهای انتخابات پارلمان ترکیه بودند که به دلیل استفاده از زبان کردی در مبارزات انتخاباتی خود محکوم شده‌اند. دادگاه اظهار داشت که ممنوعیت استفاده از زبان‌های غیر رسمی در مبارزات انتخاباتی در زمان مربوطه، به وسیله ماده ۵۸ قانون ۲۹۸ به طور مستقیم با حق آزادی بیان در ارتباط است. این پرونده مربوط به استفاده از یک زبان غیررسمی در ارتباط با مقامات دولتی نیست؛ بلکه درخصوص آزادی زبان در روابط خصوصی افراد است. علاوه بر این‌ها، زبان کردی زبان مادری نامزدها بوده و بر این نکته اذعان دارند که بسیاری از مخاطبان آنان مانند سالمندان و زنان، زبان ترکی را درک نمی‌کنند. [۲]

برآمد

در هیچ یک از اسناد مهم بین‌المللی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی و نیز میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به طور صریح از حقوق زبانی سخنی به میان نیامده است. دلیل این امر شاید این باشد که در سال‌های تصویب این اسناد، هنوز سخن گفتن از حقوق زبانی بسیار زود و دور از ذهن بوده است. مسائل مربوط به حقوق زبانی در ارتباط تنگاتنگ با حقوق اقلیت‌ها قرار دارد؛ چون همواره این اقلیت‌ها هستند که از مزایای استفاده از زبان مادری خود محروم می‌گردند؛ اگرچه در زمان تصویب اسناد طراز اول حقوق بشری، نامی از حقوق زبانی به میان نیامده است؛ اما با توجه به پیشرفت معیارهای

1 -Case of Sukran Aydin and Others V Turkey no 49197/06, 2013
2 -Conviction for speaking Kurdish during election campaigns breachead freedom of expression, Press release, 2013, p 5

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

حقوق بشری این انتظار از حقوق بین‌المللی می‌رفت تا در اسناد متاخر، حقوق زبانی را به صورت قاعده‌ای الزام‌آور به رسمیت شناسد. با وجودی که اسنادی مانند اعلامیه جهانی حقوق زبانی و نیز اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های قومی، مذهبی و زبانی مقرراتی در خصوص حقوق زبانی آمده است؛ اما اساسا به دلیل ماهیت خاص حقوق زبانی و بیم دولت‌ها از قدرت یافتن این اقلیت‌ها در اثر اعطای این حقوق، کماکان با دیده تردید به این حقوق نگریسته می‌شود. در این مقاله، رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر را به عنوان یکی از مراجع صیانت از حقوق فردی مورد بررسی قرار دادیم. با اینکه معاهده اصلی دادگاه اروپایی، مبتنی بر حقوق مدنی و سیاسی است؛ اما این انتظار از طرفین معاهده می‌رفت تا در پروتکل‌های الحاقی، حقوق زبانی را به عنوان جزء لاینفک حقوق فرهنگی به رسمیت شناسند. دادگاه اروپایی در شناسایی حقوق زبانی از لابلای دیگر مواد معاهده اقدام نموده است. در اشاره غیرمستقیم به حقوق زبانی نیز دادگاه در برخی آرای خود جانب احتیاط را رعایت کرده و با دیده تردید به رسمیت حقوق زبانی نگریسته است؛ ولی با توجه به رویه دادگاه در سال‌های اخیر به نظر می‌رسد، آرای مربوط به حقوق زبانی با رویکرد کثرت‌گرایی و نزدیکی به حقوق بشر همخوانی بیشتری دارد. در نهایت می‌توان گفت، حقوق زبانی به رغم اهمیت چنان که باید و شاید مورد توجه حقوق بین‌الملل قرار نگرفته است.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

فهرست منابع

فارسی:

استاماتوپولو، السا (۱۳۹۲)، حق‌های فرهنگی در حقوق بین‌الملل، ترجمه سید قاسم زمانی و مناالسادات میرزاده، انتشارات خرسندی، تهران.

الوندی، زهرا، کیانی، داود (۱۳۹۳)، سیاست حقوق بشری اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران و عربستان از ۲۰۰۸ تاکنون، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، شماره ۲۸.

حبیب‌نژاد، سید احمد و عالیه اسمعیلی زاده (۱۳۹۵)، حقوق فرهنگی اقلیت‌های قومی در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران و اسناد بین‌المللی حقوق بشر، انتشارات مجد.

رحیم خویی، الناز و حسین رستم‌زاد (۱۳۹۶)، تحلیل و نقد عملکرد دیوان اروپایی حقوق بشر در برخورد با ادعاهای نقض ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره۵۶.

طباطبایی، سید احمد (۱۳۸۲)، دادگاه اروپایی حقوق بشر؛ ساختار و صلاحیت‌های جدید، فصلنامه حقوق خصوصی، شماره ۵.

مدرسی، یحیی (۱۳۸۴)، پلورالیسم قومی-زبانی و هویت ملی، فصلنامه پژوهشنامه انسان‌شناسی، شماره ۷.

وحید، مجید، اسماعیلی فرد، مریم (۱۳۹۳)، کنوانسیون حفظ و ترویج تنوع بیان‌های فرهنگی و رویکرد جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا نسبت به آن، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، شماره ۱۱.

همتی، مجتبی (۱۳۹۳)، حقوق شهروندی و نسل دوم حقوق بشر، انتشارات خرسندی

انگلیسی

Arzoz, Xabier (2007), The nature of language rights, 2007, European center for minority issues.

Belgium Linguistics Case (1968) - 'In the case "relating to certain aspects of the laws on the use of languages in education in Belgium" v Belgium', No1474/62, 1677/62. 1691/62. 1769/63. 2126/64, 1968.

Committee on social and political concerns (1996), Report of language studies.

Conviction for speaking Kurdish during election campaigns breachead freedom of expression, Press release, 2013.

Crow Samuel, comparatively speaking: language rights in the United states and Canada, 2012, Cananda-Unites states law Journal, volum37, issue1.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

European court of human right, second section, case of Nusret kaya and others v Turkey, 2014, Strusburg, published by UCHR.
European court of human rights, second section, 2007. Strasbourg
D. Feingold, Eduardo, Language rights and language justice in the constitutions of the world, (2004), jurnal of language problem and language planning, vol28.
Language rights linguistic minorities Hand book: a practical guid for implementation (2017), published by OHCHR.
Magga, Nicolaisen, Trask, Skutnabb-kangs, Dunbar (2010), Indigenous childrens education and indigenous language, expert paper written for the unites nations permanent forum on indigenous issues
Ravasi,Elisa (2017) Human rights protection by the ECTHR and ECJ: a comparative analysis in light of the equivalency doctrine, published by international studies in human rights.
Report of cultural rights in the case law of the ECHR (2011), published by ECHR.
Shuibhn, Niamh nic (2001) The European Union and Minority Language Rights: Respect 61 for Cultural and Linguistic Diversity, 2001, International Journal on Multicultural Societies (IJMS) , Vol. 3, No. 2.
Schiling,Theodor (2008) Language Rights in the European Union, Vol. 09 No.

Cases

Belgium Linguistics Case - ‘In the case “relating to certain aspects of the laws on the use of languages in education in Belgium” v Belgium’, No1474/62, 1677/62. 1691/62. 1769/63. 2126/64, 1968
Case of Catan and Others v. Moldova and Russia, ۰۴/۴۳۳۷۰, 8252/05, 18454/06, 2012,
Case of Sukran Aydin and Others V Turkey no 49197/06, 2013
Guzel Erdagoz V Turkey,no (37483/02), 2008
Egitim ve Bilim Emekcileri Sendikasi V Turkey ,no 20641/05, 2012
European Court of Human Rights , second section, case of Nusret kaya and others v Turkey, 2014, p22
Mehmet nuri Ozen and others v Turkey,no 60915/08/, 2014
Mehmet Sirin Bozecah and Mesut Yursever, no 32054/08 and 3753/08
Ulusoy V Turkey, no 52709/99, 2007

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]

Guzel Erdagoz V Turkey,no (37483/02), 2008,
.Mehmet nuri Ozen and others v Turkey,no 60915/08/, 2014
Mehmet Sirin Bozecah and Mesut Yursever, no 32054/08 and 3753/08
European court of human right , second section, case of Nusret kaya and others v Turkey, 2014, p22
Ulusoy V Turkey, no 52709/99, 2007
Egitim ve Bilim Emekcileri Sendikasi V Turkey ,no 20641/05, 2012
Belgium Linguistics Case - 'In the case "relating to certain aspects of the laws on the use of languages in education in Belgium" v Belgium', No1474/62, 1677/62. 1691/62. 1769/63. 2126/64, 1968
Case of Catan and Others v. Moldova and Russia, ۰۴/۴۳۳۷۰, 8252/05, 18454/06, 2012,
Case of Sukran Aydin and Others V Turkey no 49197/06, 2013

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-01-29]